

مجله بین المللی مطالعات صلح و امنیت

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

شماره ۱ | تابستان ۱۳۸۹
ISSN 2043-9016

ریشه های بی اعتمادی بین ایران و کشور های حوزه خلیج فارس
مکانیسم سازماندهی امنیت همیارانه در خلیج فارس در دوران اوپاما
عوامل تنش زا و تاثیر آن بر نظامی گری در حوزه خلیج فارس
گفتمان نظامی گری در سیاست خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس
تحلیل رابطه بین عدم گسترش دموکراسی و گسترش نظامی گری

مجله دیپلماسی و اسلام التعاون

الازمه الیمنیه فی اطار الامن اقلیمی

حراک الجیو - ستراتیجیا الایرانیه

... و ۵ مقاله انگلیسی





تابستان ۱۳۸۹

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Number 1, July-September 2010
Just Peace Diploamcy Journal
International Peace Studies Centre (IPSC)
www.peace-ipsc.org
ISSN 2043-9016 (Print)
ISSN 2043-9024 (Online)

English Articles	1-94
Persian Articles	95-228
Arabic Articles	229-264



IPSC

International Peace Studies Centre

Articles

Dialogue and Difference
Seyed G Safavi [9-18]

Regional Stability and Balancing in the
Persian Gulf (2001 to 2010)
Ibrahim Mottaqi [19-38]

Analysis of the Effect of Oil Income on
Militarism in the Persian Gulf
Ata Bahrami [39-60]

Ontological Security and Militarism in
the Persian Gulf Cooperation Council
(PGCC) Foreign Policy
Elham Rasouli Sani Abadi [61-76]

Iran – US Relations and Its Impact on
Persian Gulf Security
Haidar Ali Massoudi [77-94]

فهرست

ریشه‌های بی‌اعتمادی بین ایران و کشورهای حوزه خلیج
فارس: تحلیلی سازمانگاران (ونتی) بر فرهنگ‌های حاکم

بر تعاملات آنها پس از انقلاب اسلامی ایران

محمد صادق جوکار و مهدی طوسی {۱۰۱-۱۳۰}

مکانیسم‌سازماندهی امنیت همیارانه در خلیج فارس در
دوران اوپاما

زهره پوستین چی {۱۳۱-۱۶۰}

عوامل تنش‌زا و تاثیر آن بر نظامی‌گری در حوزه خلیج
فارس

محمد مودب {۱۶۱-۱۸۴}

گفتمان نظامی‌گری در سیاست خارجی کشورهای حوزه
خلیج فارس

نبی‌اله ابراهیمی {۱۸۵-۱۹۸}

تحلیل رابطه بین عدم گسترش دموکراسی و گسترش
نظامی‌گری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

مهدی طوسی و مهدی مدنی {۱۹۹-۲۲۸}

الأزمة اليمنية في إطار الأمن اقليمي

طلال عتریسی {۲۳۳-۲۴۴}

حراك الجيو-ستراتيجيا الإيرانية

الخليج الفارس كمجال إحتدام

محمود حيدر {۲۴۵-۲۶۴}

گفتمان نظامی‌گری در سیاست خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس

نبی‌اله ابراهیمی

مرکز بین‌المللی مطالعات صلح

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی تحول سیاسی - امنیتی کشورهای جنوبی خلیج فارس به گفتمان نظامی‌گری است. به دنبال جنگ دوم خلیج فارس، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، هزینه‌های نظامی خود را به طرز قابل توجهی افزایش دادند. تا توان مقابله خود در مقابل تهدیدات احتمالی ایران و عراق را ارتقاء بخشند. این گفتمان نظامی‌گری، پارادایم اصلی حاکم بر سیاست گذاری شورای همکاری خلیج فارس تا کنون است. در واقع برنامه هسته‌ای ایران، نابسامانی سیاسی - امنیتی عراق پس از صدام، خطر رادیکالیسم اسلامی - جهادی، شاخص‌های عمده تحکیم گفتمان فوق در سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی - منطقه‌ای اعضای شورای همکاری محسوب می‌شود. البته حضور مستقیم نیروهای خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا در خرده سامانه خلیج فارس، گفتمان نظامی‌گری را تشدید کرده است.

کلید واژه‌ها:

گفتمان امنیتی، شورای همکاری خلیج فارس، ایالات متحده، برنامه هسته‌ای، رادیکالیسم اسلامی، عراق جدید

تصویری که پژوهشگران همواره از خرده سامانه خلیج فارس ترسیم کرده‌اند، بدین صورت است، منطقه‌ای که گفتمان‌های امنیتی و نظامی‌گری گوی سبقت را از دیگر گفتمانهای سیاسی و اقتصادی ربوده است. جریان جهادگرائی و گفتمان رادیکالیسم القاعده، در حال رشد و نمو است. کشورهای جنوبی خلیج فارس، همسایه شمالی خود، یعنی ایران را متهم به تلاش برای دستیابی به بمب اتم و مداخله در امور عربی می‌کنند. عراق بزنگاه تسویه حساب‌های امنیتی کشورهای منطقه عربی درآمده است. خشونت، سرکوب و بی‌ثباتی داخلی در برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس همچون عربستان سعودی، مشروعیت حکومت آنان را مورد سؤال قرار داده است.

پس در مجموع با اطمینان خاطر می‌توان گفت که این منطقه آشوب زده^۱ از لحاظ آزمون مفاهیم ضد نقیض^۲ امنیت منطقه‌ای و ملی، اهمیت قابل توجهی دارد. این شاخص‌ها همگی منجر به شکل‌گیری گفتمان نظامی‌گری در شورای همکاری خلیج فارس شده که خود متأثر از متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.^(۱) این متغیرها بعضاً به علت پیچیدگی‌های سیاسی و امنیتی خرده سامانه خلی فارس و سامانه خاورمیانه است که هرج و مرج، کاهش سطح تعاملات دورن منطقه‌ای و تحول در گفتمانهای عمومی را سبب شده است. خرده سامانه خلیج فارس به دلیل ماهیت معنایی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی به گونه‌ای بی‌بدیل با نوعی سیالیت در راهبردها و کنش‌ها مواجه است. این سیالیت، تغییر گفتمانی شورای همکاری خلیج فارس را پدید آورده است. گفتمانها که خود مفصل بندی هویت‌های زبانی متمایز و سیال، یا آنچه ویتگنشتاین بازی زبانی می‌خواند، هستند. سپس مجموعه‌ای به نام گفتمان مستمراً مشمول و موضوع عدم ثبات شکلی و ماهوی است.

طبق اندیشه فوکو، دو نوع تغییر و تحول گفتمانی قابل تصور و ممکن است. تغییر «در» گفتمان و تغییر «از» گفتمان. تغییر «از» گفتمان به معنای دگرگونی و دگردیسی بنیادین و ماهوی است که در اثر تغییر در اصول حاکم یک گفتمان حادث می‌شود. اگر تغییرات در مفاهیم و عناصری که فرع بر اصول حاکم هستند، به وقوع بپیوندند، در این صورت تغییر «در» گفتمان واقع می‌شود، و تحول درون گفتمانی شکل می‌گیرد.^(۲) پس از جنگ سرد و اشغال امیر نشین کویت توسط عراق بعثی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اصول حاکم بر مفاهیم و عناصر سیاست‌گذاری خود در

قبال محیط پیرامونی خود را تغییر دادند و از گفتمان سیاسی - امنیتی به گفتمان نظامی - اقتصادی تغییر موضع دادند.

به عبارتی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس موضع گفتمانی خود را «نظامی‌گری» تعریف و آن را تقویت نمودند. این نوشتار نخست مفاهیمی همچون گفتمان، تحول برون گفتمانی و درون گفتمانی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را بررسی نموده و سپس عوامل و شاخص‌های شکل‌گیری این گفتمان یعنی نظامی‌گری را تشریح می‌کند و در نهایت به کند و کاو چالش‌های این گفتمان در سطح منطقه می‌پردازد.

شورای همکاری خلیج فارس: جامعه و گفتمان

فوکو در جریان گسترش نگرش خودش به جامعه، چارچوب هر جامعه را «گفتمان»^۳ آن می‌راند. اصطلاح زبان همیشه به عنوان چیزی بی‌طرف و خنثی شناخته شده است. فوکو اعتقاد داشت که شیوه ارتباط هر جامعه به هیچ وجه بی‌طرفانه و خنثی نیست زیرا به آن جامعه شکل می‌بخشد، و عنصر سیاسی مهمی دارد. بر این اساس، فوکو برای اشاره مشخص به جانبداری سیاسی به عنوان ویژگی هر گونه ارتباط در داخل جامعه اصطلاح «گفتمانی» را ترجیح می‌داد. بدین ترتیب، هر جامعه گفتمان مشخص خود را دارد و ساختار آن گفتمان، بیان برخی اندیشه‌ها را ممکن و بیان برخی اندیشه‌های دیگر را که با آنها ناهم‌سازند ناممکن می‌سازد. فوکو نوعی «نظریه گفتمان»^۴ بسط داد تا از آن به عنوان ابزار اصلی تحلیل‌های اجتماعی استفاده کند. نفس امکان پذیر بودن هر کنش سیاسی مرتبط با مجموعه‌ای که از مناسبات اجتماعی نشأت می‌گیرد و آن مناسبات را گفتمان در دوره مشخص، ساختار بندی می‌کند.

فوکو معتقد است بین گفتمانها در جوامع مختلف در گذر زمان در یک جامعه، و در رشته‌های مختلف در جوامع و در هر زمان مشخص گسست و انقطاع وجود دارد. قاعدتاً گفتمان مسلط امروز بدون تلاطم از گفتمان مسلط قبلی در هر زمان سر برآورده است. هر گفتمان از طریق کشمکش قدرتی جای گفتمان قبلی را می‌گیرد که نتیجه‌اش بر اساس مناسبات قدرت و نه معیارهای عقلایی یعنی «انتخاب نظریه» تعیین می‌گردد. گفتمان جدیدتر نه از نظر عینی فراخ‌تر و فراگیرتر و نه دقیق‌تر از گفتمان قبلی است زیرا هیچ معیار خارجی وجود ندارد.^(۳)

این تعریف مفهومی و نظری از گفتمان با معیار فوکو، در مورد تغییر گفتمانی در شورای همکاری خلیج فارس قابل تصدیق است. اگر این شورا را به مثابه جامعه فرض کنیم، گفتمان غالب از اندیشه‌های داخلی و عناصر بیرونی سرچشمه گرفته است. امروزه بسط گفتمان نظامی‌گری حاکم بر شورای همکاری خلیج فارس بر اثر تحولات بیرونی و درونی جامع مذکور و مبتنی بر کشمکش گفتمانهای سابق ساختاربندی شده است. گفتمان نظامی‌گری امروز حاصل تغییر رویکرد انتخاب اعضای شورای همکاری است این تغییر گفتمانی منتج به تصمیم‌ها و اندیشه‌های جدید در سیاستگذاری شورا شده است.

تحول دوران گفتمانی در شورای همکاری خلیج فارس پس از ۱۹۹۱

دایان مک دانال، در کتاب نظریه‌های گفتمانی، گفتگو یا همپرسی را (دیالوگ) واژه‌های مقدماتی هر گفتمان می‌داند. از آنجا که دو نوع گفتار، کلام یا نوشتار، جریان اجتماعی محسوب می‌شوند و دارای اهمیت و ساختار اجتماعی هستند، لذا گفتمان پدیده‌ای اجتماعی است و دارای زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی است.^(۴)

فوکو گفتمان را این گونه تعریف می‌کند. ما مجموعه‌ای از احکام را، تا زمانی که متعلق به صورت بندی گفتمانی مشترکی باشند گفتمان می‌نامیم....گفتمان متشکل از تعدادی از احکام است، که می‌توان آن را مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد.^۵ مثلاً در مورد کلام و بستر اجتماعی شورای همکاری خلیج فارس طبق تعریف مک دانال از گفتمان، اساسنامه شورای همکاری با ۲۲ ماده و یک مقدمه خود نمود گفتمانی سیاسی است. در ماده چهار اساسنامه چنین اشعار دارد که هدف شورا ایجاد یک کنفدرال عربی، با توجه به ایمان در راستای سرنوشت مشترک و هدف واحد در جهت تحقق امت عرب است. احکام این شورا طبق تعریف فوکو از گفتمان و براساس معیار صورت بندی گفتمانی مشترک، مشخص است، و آن استفاده از «شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس» به جای «شورای همکاری خلیج فارس» است. این جایابی تاریخی خود بر ساخته‌ای گفتمانی و دگرسازی علیه هویت و تاریخ آن منطقه است. این احکام خود به خود گفتمان سیاسی و امنیتی را می‌سازد. اتحادیه‌ای کنفدرال از درون شورای همکاری طبق ماده چهار

اساسنامه (۱۹۸۱) ابوظبی به معنای نقض نظم موجود منطقه خلیج فارس بدون عراق و ایران نیز محسوب می‌شود.^(۶)

به هر حال این گفتمان شورای همکاری خلیج فارس که از تأسیس، موضعی سیاسی و اقتصادی داشت پس از سال ۱۹۹۱ و اشغال کویت توسط عراق صدام، دچار تحولی اساسی گردید که از آن به عنوان تحول درون گفتمانی یاد می‌شود.

با اشغال امیرنشین کویت در سال ۱۹۹۰ توسط ارتش بعث عراق، و عدم پاسخ سریع ارتشهای کشورهای شورا، ضعف این سامانه پیش از پیش مطرح و مبرهن شد. این رویداد، باعث حضور نیروهای چند ملیتی به رهبری ایالات متحده آمریکا در منطقه شد. در خور یادآوری است که واکنش ضعیف اعراب به این یورش عربی - عربی در واقع نظم عربی بر پایه گفتمان اجتماعی و هویتی اعراب را با مشکل بنیادین روبرو ساخت و آن ناتوانی نظامی اعراب در قبال تهدیدات، همگی منجر به تحول درون گفتمانی شورای همکاری خلیج فارس شد.^(۷)

تحول درون گفتمانی

با تحول فوق الذکر پس از ۱۹۹۱ و ضعف امنیت دسته جمعی در شورای همکاری خلیج فارس، گزاره‌ها و قضایای حاکم و زیربنایی گفتمان ۱۹۸۱ شورا دست نخورده باقی ماند ولی در سطح گزاره‌های اشتقاقی یا فرعی، ما شاهد تحولاتی در سیاست خارجی شورای هستیم.^(۸) گرچه ماهیت و هویت گفتمان نخست کشورهای شورا دگرگون نشد، ولی خرده گفتمان‌هایی با موضعی امنیتی و نظامی گرایانه در دل گفتمان کلان شورا متولد شد. در واقع، خرده گفتمان کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان همگی به خلق شکل‌بندی‌های متفاوتی از گفتمان شورا دست زدند که بدان اشاره خواهد شد.

قرارداد همکاری دو جانبه امارات در سال ۱۹۹۱ با فرانسه و انگلستان، پیمان نظامی ده ساله بحرین با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۱ مبنی بر ایجاد تأسیسات در «الجفیرا»، قرارداد «سپر صلح» عربستان سعودی با ایالات متحده آمریکا، قرارداد «الیمام» و «ساواری» ریاض - پاریس، تمدید پیمان نظامی عمان با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۱ این خرده گفتمانهای نظامی

اعضای شورای همکاری خلیج فارس همگی به خلق نظامی گری در سیاست خارجی این کشورها انجامید.^(۹)

به عبارتی، تأکید بر همکاری اقتصادی در حقیقت از همان اولین اجلاس سران در ابوظبی (می ۱۹۸۱) در زمینه سیاست خارجی و سیاست امنیتی پس از اشغال کویت ۱۹۹۱ تغییر جهت داد.^(۱۰) در خور یادآوری است با پایان گرفتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که تقریباً همزمان با پایان جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) به رهبری ایالات متحده بود، این کشور تدابیری را درباره ساختار جدید امنیتی منطقه تحت (دکترین) نظم نوین جهانی اتخاذ کرد. نظم حاضر گفتمان نو در سیاست آمریکا بود که به نوعی، ملاحظاتی رهیافت نوین جهانی خود را با منطقه خلیج فارس هم سو می‌داند و نظم منطقه‌ای خلیج فارس را گرانیگاه، نظم نوین برمی‌شمرد. این گفتمان پسا جنگ سرد آمریکایی برای منطقه خلیج فارس، شورای همکاری را به سمت انطباق با شرایط موجود تشویق کرد و ورود به این گفتمان منوط به نظامی‌گری بود. این رویه تا یازدهم سپتامبر (۲۰۰۱) استمرار داشت، تا این که عملیات یازدهم سپتامبر اوج نظامی‌گری در سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس را تثبیت نمود.^(۱۱)

عملیات یازدهم سپتامبر و روند نظامی‌گری نو در شورای همکاری خلیج فارس

حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) در واشنگتن و نیویورک، بی‌شک عمده‌ترین حادثه تاریخ معاصر آمریکاست. این رخداد ترکیبی از تداوم و تغییر را به ارمغان آورد. تأثیر این عملیات بر نظام بین‌الملل، «کنشگران روابط بین‌الملل»، «قواعد بازی بین‌الملل» و «محیط بازی روابط بین‌الملل» را به حوزه‌های نظری و عملی برجسته تبدیل کرد. در خصوص کنشگران روابط بین‌الملل به طور سنتی دولت - ملت،^۵ سازمانهای مردم نهاد سازمانهای بین‌الدولی^۶ و افراد^۷ به عنوان کنشگران روابط بین‌الملل شناخته می‌شوند. در این میان، با موجودیت کنشگران شبکه‌ای به عنوان کنشگران جدید روابط بین‌الملل و گسترش ارتباطات جهانی شده و بهره‌برداری از انواع ابزارهای نوین ارتباط ملی، که نمونه بارز آن القاعده می‌باشد، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تا حد زیادی متأثر از این رویه شد. القاعده با ریشه‌هایی در شبه جزیره به خصوص عربستان سعودی، واکنش سریع کشورهای عضو شورای همکاری را در برابر این پدیده یا تهدید امنیتی جدید برانگیخت.^(۱۲) در واقع با تشکیل جبهه واحد جهانی جهت مبارزه با تروریسم، شورای

همکاری خلیج فارس در صف نخست این گفتمان قرار گرفت. این شورا پس از یازدهم سپتامبر به طور علنی سیاست خود مبنی بر مبارزه با تروریسم جهانی را با قدرتهای خارجی اعلام داشت. سیاست فوق، از لحاظ بعد دفاعی و خارجی مستلزم نظامی‌گری و گسترش فضای امنیتی و اطلاعاتی در فضای مجازی و عینی بود.^(۱۳)

دسته دوم تأثیرات حوادث یازدهم سپتامبر به قواعد بازی روابط بین‌المللی برمی‌گردد که باز عناصری از تداوم و تغییر را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد. همیشه قواعد بازی در روابط بین‌الملل به قواعد دوستانه و خصمانه تقسیم بندی شده و در تداوم طیف وسیعی از کنش‌ها و واکنش‌ها^۱ مطرح بوده‌اند. بعد از یازدهم سپتامبر همکاری‌های صلح‌آمیز چند جانبه گرا پایان نیافته (تداوم) بلکه با توجه به حرکت‌های دولت ایالات متحده با قواعد بازی اولاً جنبه نظامی بیشتری به خود گرفت و این باعث ایجاد تغییر در گفتمان بین‌المللی شده و مفاهیمی که بار خصمانه‌ای چون دشمن، ائتلاف، تروریسم، جنگ و اشغال داشتند مورد استفاده قرار گرفتند.^(۱۴)

این نوع تحول، همه کشورها از جمله کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را متأثر ساخت. همراه با تأثیرات مربوط به کنشگران و قواعد بازی، سومین دسته از تأثیرات بعد از یازدهم سپتامبر مربوط به محیط بازی روابط بین‌المللی است که با ترکیبی از تداوم و تغییر را می‌توان مشاهده کرد. این محیط نشان می‌دهد که نخست، سامانه بین‌المللی که پس از فروپاشی حاصل جنگ سرد در ۱۹۹۱ در نوعی بلا تکلیفی و انتقال به سر می‌برده و هنوز مراحل انتقالی را طی کرده و آینده واضح و دقیقی را دارا نیست. اما عنصر آمریکایی محیط بین‌المللی پر رنگ شده و دوم خیزش آمریکا برای اعمال هژمونی زیادتر گردید. سوم، در محیط جدید، ترکیبی از فرهنگ و قدرت نظامی وجه غالب روانی را شکل می‌دهد.^(۱۵)

در این محیط جدید امنیتی - نظامی بین‌المللی ما شاهد بازگشت ژئوپلیتیک هستیم. محوریت یافتن آسیای غربی به طوری خاص پس از یازدهم سپتامبر قابل تأمل است. در این میان موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در محیط جدید مهم و برجسته است. این موقعیت مکانی شورای همکاری در برابر تروریسم خاورمیانه‌ای در سیاست خارجی آمریکا حائز اهمیت است. در منظر دیگر، اهمیت یافتن پایگاه‌های نظامی پس از یازدهم سپتامبر و حمله ایالات متحده به افغانستان و سپس عراق، این مهم و اهمیت خاک و فضای کشورهای منطقه را دو چندان

ساخت. هم جواری کشورهای شورای همکاری با عراق و نزدیکی به افغانستان، سیاست نظامی -
گری و تقویت روابط امنیتی - نظامی با ایالات متحده را تقویت کرد.^(۱۶)

گسترش روابط نظامی ایالات متحده آمریکا با قطر راجع به پایگاههای نظامی دوحه، تقویت ناو
پنجم ایالات متحده در بحرین، فروش تسلیحات آمریکایی به کویت، عربستان و امارات از همین
زاویه قابل ذکر است.^(۱۷) جدا از تأثیر عملیات یازدهم سپتامبر بر سیاست نظامی گری شورای
همکاری خلیج فارس، موضوع دیگر یعنی اشغال عراق در مارس (۲۰۰۳) توسط ایالات متحده و
مسأله هسته‌ای ایران از جمله موارد تأثیر گذار دیگر بر تقویت گفتمان نظامی گری شورای همکاری
است.

عراق جدید و گفتمان نظامی گری شورای همکاری خلیج فارس

خرده سامانه خلیج فارس، شاهد سه جنگ عمده در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و بالاخره ۲۰۰۳
(اشغال عراق توسط ایالات متحده) بوده است. این امر نشان دهنده این نکته است که هم در دوره
جنگ سرد (دهه ۱۹۸۰ تا قبل از فروپاشی شوروی) و هم پس از آن، یک کنشگر عمده منطقه
یعنی عراق بر این باور بوده که می‌تواند از طریق بکارگیری قدرت نظامی به اهداف خود (سرزمین
و غیره) دست پیدا کند. از این رو، به نظر می‌رسد مهمترین عامل ثبات بخش در منطقه صرفاً مسأله
تونایی نظامی و در پی آن برقراری موازنه بوده است. تا قبل از حمله نظامی عراق به کویت، سامانه
موازنه قوا در منطقه خلیج فارس به عنوان عامل ثبات بخش مطرح بوده است. اما پس از ازاد سازی
کویت و حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه، سامانه امنیت منطقه‌ای بر اساس هژمونی
ایالات متحده شکل گرفت. این سامانه حتی پس از اشغال عراق در سال (۲۰۰۳) توسط واشنگتن
تشدید شد، حضور مستقیم نظامی آمریکا در عراق، تقویت نظامیان آمریکایی در کویت، عملاً نظم
منطقه، با نظم حضور مستقیم کاخ سفید پیوند برقرار شد. این نظم، گفتمان نظامی گری در شورای
همکاری خلیج فارس را تشدید کرد. عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج
فارس، در دهه ۱۹۹۰ و پس از یازدهم سپتامبر به ویژه با آغاز مداخله آمریکا در عراق جدید، به
تقویت تسلیحاتی خود به شکلی فزاینده‌ای دست زدند. برای این دو کار دو انگیزه نهفته است.

نخست این که برای دفاع از خود در مقابل تهدیدات احتمالی چاره‌ای جز تسلیح خویش نداشتند. اما دلیل دوم را می‌توان راضی نگاه داشتن ایالات متحده دانست. به عبارت دیگر این گفتمان نظامی‌گری این کشورها عمدتاً به دلیل شگل‌گرفت که می‌خواستند سهم خود را از هزینه برقراری امنیت در خلیج فارس که بر عهده آمریکا بود، ادا نمایند.^(۱۸) این مسأله که آمریکا مهمترین منبع تسلیحات این کشورها بود تأیید کننده انگیزه دوم است.^(۱۹)

جنگ مارس ۲۰۰۳، برای بسیاری از تحلیلگران، جنگ نفت؛ بود چرا که معتقد بودند با وجود کنشگران جدید در منطقه خاورمیانه به نام «تروریسم اسلامی» و «جهادگرایی اسلامی»، انتقال نفت به غرب با خطر جدی مواجه شده است. خاورمیانه هم اکنون هفتاد درصد ذخائر اثبات شده نفت دنیا را در اختیار دارد. بر همین مبنا، دپارتمان دورنمای سالانه انرژی در سال ۲۰۰۷ اعلام داشت که کل تقاضای داخلی نفت ایالات متحده بین ۶۵ تا ۷۰ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت که ۵۱ درصد از این تقاضا، توسط کشورهای اوپک تأمین خواهد شد. در خور یادآوری است که دو سوم کشورهای اوپک در منطقه خلیج فارس هستند.^(۲۰) این وابستگی نفتی به نحوی وابستگی امنیتی آمریکا - شورای همکاری را رقم زده است. بنابراین وابستگی متقابل «نفت و امنیت» در مقابل تروریسم خاورمیانه‌ای به مثابه تهدیدی نو و فرضیه همکاری بغداد با این گونه تروریسم، جنگ نفت را در پی داشت. این تروریسم ریشه‌ای هویتی و فرهنگی در کشورهای اعضای شورای دارد و به دلیل اتحاد بین آمریکا و این کشورها، نظامی‌گری شورا - آمریکا وارد مرحله نوینی شد.^(۲۰)

ری‌تکیه^۹، کارشناس دانشگاه دفاع ملی آمریکا در همین زمینه معتقد است «ما بعد از یازدهم سپتامبر مواجه با سیاست آن سوی مهار^{۱۰} هستیم». او متذکر می‌شود، که مهار تروریسم، سلاح کشتار جمعی، و مهار هنجاری ایران در گفت و گوی فلسطینی - اسرائیلی از اهم این سیاست است.^(۲۱) این مهار مستلزم حضور نیرومند ایالات متحده در منطقه خلیج فارس است که عراق ۲۰۰۳ ورود این گفتمان را تسهیل ساخت. در واقع شورای همکاری خلیج فارس در آن سوی مهار نقش اصلی و تسهیل کننده‌ای را بازی می‌کند. این سیاست جدید نوعی بازدارندگی در مقابل ایران را پایه‌گذاری کرد که مبنای انزوای ایران در تقویت نظامی‌گری اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. در این گفتمان اعضای شورا به عنوان عنصری هماهنگ کننده عمل می‌کنند.^(۲۲)

با تغییر هویتی عراق از کشور سنی - عربی به کشوری شیعی - عربی جایگاه این کشور در نظم عرب گرایانه دچار تحول اساسی شد. بایستی اضافه نمود که با روی کار آمدن شیعیان در این کشور، نظم منطقه‌ای عربی دچار تغییرات اساسی شد. به این معنی که، ترتیبات در منطقه عربی عمدتاً حول کشورهای سنی مذهب و عرب معنا می‌یافت. ولی ورود عراق شیعی به این نظم، سنت نظم عربی را خدشه دار نمود که این امر، واکنش منفی اعراب به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در پی داشته است. از منظر دیگر با بروز هویت شیعی عراق، نظم عرب گرایانه مدلولات پیشین خود را دچار بحران مفهومی دید که ناچار به واکنش سلبی شد. عدم ارتباط سیاسی و دیپلماتیک کشورهای عرب با عراق جدید از این منظر قابل بررسی است. کشورهای عضو شورای همکاری از طلایه‌داران تحریم سیاسی عراق جدید بودند. مثلاً روزنامه سعودی «الشرق الاوسط» می‌نویسد که «شرط عادی سازی اعراب با نظام شیعی عراق تنها در حفظ عربیت این کشور است».^(۲۳)

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس فاقد راهکاری مناسب و موضعی مشترک در قبال عراق پس از اشغال سال ۲۰۰۳ بودند. عدم انسجام این سامانه اختلافات بر سر اتخاذ سیاست خارجی واحد با بغداد را سبب شده است. کشورهای عضو شورای به دلیل اوضاع نابسامان عراق و تشدید تحریم‌ها، از مدافعان برکناری صدام حسین بودند ولی این وضعیت به یک مسأله برجسته در منطقه مبدل شد و آن بی‌ثباتی، بنیادگرایی و وخامت اوضاع امنیتی بود. این وخامت اوضاع و ترس از نفوذ ایران شیعی در عراق و تهدید نظام شیعی در بغداد این کشورها سریعاً به گفت‌وگوهای نظامی‌گری سوق پیدا کردند. این نظامی‌گری با تمدید پیمانهای نظامی با ایالات متحده، فرانسه و انگلستان عملی شد. این کشورهای در پی آن بودند تا پس از حمله ایالات متحده آمریکا، نقشی اساسی را با شیعیان سکولار و سنی‌های محافظه کار سنتی در عراق بازی کنند. ولی این معادلات به خصوص پس از روی کار آمدن حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب عراق، در انتخابات ۲۰۰۵ که از مدافعان ایران بودند به هم خورد.^(۲۴)

این تحول اساسی و رویکرد نظامی‌گری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ترس نفوذ ایران در عراق جدید بود که بدان پرداخته شد. در ادامه برنامه هسته‌ای ایران و تقویت گفت‌وگوهای نظامی‌گری شورای همکاری خلیج فارس را مورد کند و کار قرار می‌دهیم.

برنامه هسته‌ای ایران و نظامی‌گری در شورای همکاری خلیج فارس

با مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران، مقابله با این برنامه در صدد دیپلماسی کشورهای عربی آغاز شد. امارات متحده عربی همزمان گفت و گوهای خود مبنی بر تأسیس نیروگاههای هسته‌ای با کشورهای فرانسه و آمریکا، آغاز کرد. در همین زمینه، اجلاس سران کشورهای همکاری خلیج فارس از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ ضمن تأکید بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، بر حق دستیابی کشورهای عضو به دانش هسته‌ای تأکید کردند. در گفتمان امنیتی - نظامی شورا «دگری» به نام ایران شیعی و ایران هسته‌ای ساخته شده که این عنصر عامل اصلی روی آوردن شورا به گفتمان نظامی‌گری است. گفتمان ایدئولوژیک ایران با برنامه هسته‌ای همراه شده است که کشورهای عرب خلیج فارس را واداشته تا مثلاً در سال ۲۰۰۵ امارات با کانادا سعی در ایجاد مدرن‌ترین پایگاه نظامی در شهر دبی کند، یا این که عربستان سعودی با همکاری آمریکا سامانه دفاع موشکی را نصب کرد. در همین زمینه «عبدالعزیز بن عثمان بن صفر» رئیس پژوهش‌های خلیج فارس، متذکر می‌شود که «ما در سالهای اخیر شاهد سیاست مداخله جویانه ایران در بحرین، تکرار تهدید مبنی بر بستن تنگه هرمز و به آتش کشیدن منطقه،^{۱۱} مداخله در عراق و لبنان هستیم. این سیاست تحت لوای برنامه هسته‌ای خود، می‌تواند امنیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را متزلزل کند». او اضافه می‌کند که «ایران در برابر تصمیم‌های آژانس انرژی هسته‌ای و قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر توقف فعالیتهای غنی سازی اورانیوم طفره می‌رود و این امنیت کشورهای خلیج فارس را با مشکلی حاد مواجه کرده است.»^(۲۵) این مواضع شورا، همگی توجیه نظامی‌گری این سامانه امنیتی است.

در خور یادآوری است که گفتمان نظامی‌گری شورای همکاری خلیج فارس تا حد زیادی نیز متأثر از مناسبات میان کشورهای شورا و رقابت نظامی بین آنها نیز است. اخیراً با سیاست جدید باراک اوباما و تقویت حضور نظامی در کشورهای عضو شورا، ما شاهد افزایش گفتمان نظامی‌گری در منطقه هستیم. در همین زمینه، وزیر خارجه بحرین «خالد بن احمد آل خلیفه» در دیدار با وزیر خارجه آمریکا «هیلاری کلینتون» (۵ فوریه ۲۰۱۰) یا (۱۴ بهمن ۱۳۸۸) اظهار داشت که «ما از تقویت روابط نظامی و نصب سامانه دفاعی موشکی (پاتریوت) در پادشاهی بحرین، امارات و قطر حمایت می‌کنیم.»^(۲۶)

این تحولات همگی نشانگر برجسته شدن گفتمان نظامی‌گری در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. این گفتمان میراث گفتمان سیاسی قبل از ۱۹۹۱ و گفتمان امنیتی پس از ۱۹۹۱ است. گفتمان حاضر با عملیات یازدهم سپتامبر (۲۰۰۱) و اشغال مارس ۲۰۰۳ تقویت و استحکام یافت. نمودار ذیل تحول گفتمانهای حاکم بر شورای همکاری خلیج فارس را به تصویر می‌کشد. گفتمان امنیتی ۲۰۰۱ گفتمان امنیتی ۱۹۹۱ گفتمان سیاسی

نتیجه گیری نهایی

این نوشتار سعی به تصویر کشیدن تحول از گفتمان امنیتی حاکم بر شورای همکاری خلیج فارس به گفتمان نظامی‌گری دارد. این مهم در بررسی‌های قبل و بعد از جنگ سرد و بویژه تحولات پس از یازدهم سپتامبر مورد کندوکاو قرار گرفت. بنابراین برنامه هسته‌ای ایران و اشغال عراق تا حد فزاینده‌ای بر این گفتمان نظامی‌گری تاثیر گذاشت. لذا تحولات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای همانند حضور مستقیم نیروهای امریکایی در خرده سامانه خلیج فارس و پیمان‌های نظامی مشترک اعضای شورا با کشورهای غربی دامنه این گفتمان را تعمیق بخشیده است.

ضعف ساختاری در شورا در ابعاد امنیتی و نظامی و عدم اجماع در تصمیم‌سازی در قبال بحران‌های متداوم منطقه‌ای، باعث اتخاذ راهکاری مناسب از سوی اعضای شورا شده که این بزنگاه مهم روند نظامی‌گری و تشدید رقابت میان کشورهای فوق را سبب شده است.

منابع

1- Yair Evron, "Gulf Crisis and war: Regional Rules of the Game and Policy and Theoretical Implications". Security Studies 4 no 1. (fall 1994)

۲- سید جمال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: سمت ۱۳۸۸) صص ۵۴-۵۵

۳- فرد چرنوف، نظریه وزیر نظریه در روابط بین‌الملل، مفاهیم و تفسیرهای متعارض، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸
صص ۳۲۷-۳۲۹

۴- مک دانل، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین علی‌نوری، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۷، ص ۵۹

5- Keeley, James. "Towards a Foucauldian Analysis of International Regimes", International Organization (1990) 44 (1): 83- 105

IPSC Journal - No 1

۶- نبی‌الله ابراهیمی، «انسجام داخلی در شورای همکاری خلیج فارس و روابط ایران با امارات متحده عربی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۸۵، صص ۸۱-۸۰

۷- ابراهیمی، همان منبع، ص ۹۵

۸- دهقانی فیروزآبادی، پیشین، ص ۱۹۰

۹- حسن مشهدی، «ضبط التسلیح و الأمن الاقليمي فی الشرق الاوسط منظور ایرانی»، القاهرة: مرکز الدراسات السياسيه و الاستراتيجيه بالاهرام، ۱۹۹۵، ص ۸۱

10- Persian Gulf oil and Gaz Exports Fact sheet: see too
<http://www.eia.doe.gov/emue/cabs/pgulf.htm>

۱۱- محمد حدید عبید، «موقف دول مجلس التعاون الخليجي من الاحتلال الميركي فی العراق»، مجله كليه الاداب، جامعه ذي قار: ۲-۷، ص ۱۷۷

12 - Robert Skidelsky "Imalence of Power", Foreign policy, March - April 2002, p.p 46-55

۱۳ - حرب علی الارهاب فی منظور مجلس التعاون: انظر الى

<http://www.Alarabiya.net.2005/9/10>

۱۴- محمد کاظم سجادیپور، «ایران و یازدهم سپتامبر، چهارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۷۲

۱۵- سجادیپور، همان منبع، ص ۹۲۷

16- Walter Pincus, Buch's Stand on Nuclear Arms use Clinton lead, Internatinal Hexlad Tribune, March 13. 2002. p. 4

۱۷- محمد حدید ابوعبید، منبع سابق، ص ۱۸۱

18 - Bjorn Moller, Regional Security: from conflict. formation to Security community, in B Muller (ed). Oil and water: cooprative security in the presian Gulf (london: IB. Tauirs, 2001). p. 33

19- Anthony lordsman, us. frces in the midde East: Resources and Capabillitios London: westview press, 1997) p. 333

20- Steven Ekovich, "Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middl East", Foreign. policy Research institute. winter 2004. p. 72

21- Patterns of Global Terrorism, u.s. Department of state, Apr. 2003, www.State.gov

22- Ray Tekeyeh, Reimaginig us Iranian Relation, Survivul, Autumn, 2003. p. 55

23- Farnaz fassihi, Iranian Business men Head in to Iraq, wall street journal Europe, sept 29, 2003.

۲۴ - عروبه العراق شرط للتطبيع مع النظام الشيعي:

<http://www.aawsat.com/esult.asp.22>

25- Al - Hokayem. Altrariq, "The Arab Gulf Statas in the shadow of the Iranian Nuclear challenge", The Henri stemson center, 2005.

۲۵- عبدالعزيز بن عثمان بن صقر، العلاقات الخليجيه الايرانيه: صراع التهديدات و التطمينات، الشرق الاوسط، السبت ۱۰ شعبان ۱۴۳۰، اغسطس ۲-۲، العدد ۱۱۲۰۴.

۲۶- زیاره الوزیره الخارجیه البحرین من واشنتن، الصحیفه الوقت البحرینیه www.Alwaqt.net/3/2/2010e

زیرنویس ها

IPSC Journal - No 1

1. Turbulent
2. Contending
3. discourse
4. discourse Theory
5. Nation - state
6. Non - governmental organization (NGOS)
7. International organization
8. Action and Reaction
9. Ray Takeyeh
10. Beyond Contatnment

١١. احراق المنطقه

International Journal for Peace and Security Studies

Just Peace Diplomacy Journal

Number 1 Jul - Sep 2010
ISSN 2043-9016

Dialogue and Difference
Regional Stability and Balancing in the Persian Gulf
Analysis of the Effect of Oil Income on Militarism
Ontological Security and Militarism in the Persian Gulf
Iran – US Relations and Its Impact on Persian Gulf
... 5 Persian and 2 Arabic articles

